

Changes in the Structure and Components of Power After the Corona Pandemic

Nayereh Dalir*

Abstract

The corona pandemic imposed so many changes on human societies. The spread of the disease has challenged the cultural, social, and political structures of the contemporary world, leading to new ideas about the future of human societies. At the level of political power, for example, the idea of the fall of former powers, the emergence of new civilizations and the transition of human societies towards biological wars has emerged, emphasizing the role of complex biological technologies and their dominance over human life. According to this idea, contemporary man in the face of new conditions is forced to give up his freedoms and submit to the domination of new technologies and even to organize his social relations through these technologies. This study seeks to answer the question of how contemporary humans will benefit from technology in the face of biological threats, and what effect this will have on the components of power. Based on futures studies based on the analysis of present history and Foucault's theoretical knowledge-power approach, it seems that there will be a leap in the use of new technologies in contemporary human life. These technologies will change the current system of power in such a way that a new definition of the concept of security and political power will be formed based on greater public participation. Also, considering the great historical trends and present, "vaccination" and "biotechnology" along with the influential component of "more governmental societies" can be named as important factors shaping the power of governments in the world to come.

Keywords: Epidemic, Corona, Power, Biotechnology, Knowledge, Present, Future Studies.

* Associate Professor of History Research, Institute of Humanities and Cultural Studies, dalirnh@gmail.com

Date received: 23.11.2020, Date of acceptance: 20.01.2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تغییر ساختار و مؤلفه‌های قدرت پس از همه‌گیری کرونا؛ آینده پژوهی تاریخ اکنون

نیره دلیر*

چکیده

همه‌گیری کرونا موجب شد ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر به چالش کشیده شود و به دنبال آن ایده‌های جدیدی در مورد آینده جوامع بشری ارائه شود. از جمله در سطح قدرت سیاسی ایده سقوط قدرت‌های پیشین، ظهور تمدن‌های جدید و گذار جوامع انسانی به سوی جنگ‌های بیولوژیک پدیدار شده است که در آن به نقش فناوری‌های پیچیده زیستی و تسلط آن‌ها بر زندگی بشر تاکید می‌شود. بر اساس این ایده، انسان معاصر در مواجهه با شرایط جدید مجبور است از آزادی‌های خود چشم‌پوشد و تن به تسلط فناوری‌های نوین دهد و حتی روابط اجتماعی خود را از طریق این فناوری‌ها سامان دهد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که انسان معاصر در مواجهه با تهدیدهای بیولوژیک چگونه از فناوری کمک خواهد گرفت و این امر چه تأثیری در مؤلفه‌های قدرت باقی خواهد گذاشت. بر اساس آینده‌پژوهی تاریخ اکنون و رویکرد دانش - قدرت فوکو این نظر مطرح می‌شود که جهشی در استفاده از فناوری‌های نوین در زندگی انسان معاصر در آینده روی خواهد داد و این فناوری‌ها نظام قدرت فعلی را تغییر خواهد داد به گونه‌ای که تعریف جدیدی از مفهوم امنیت و قدرت سیاسی بر اساس مشارکت بیشتر مردم شکل خواهد گرفت. همچنین با توجه به کلان روندهای تاریخی و اکنونیت می‌توان «واکسیناسیون» و «بیوتکنولوژی» به همراه مؤلفه تأثیرگذار «جوامع دولت‌پذیرتر»، را به عنوان عوامل مهم شکل دهنده قدرت دولت‌ها در دنیای آینده نام برد.

کلیدواژه‌ها: همه‌گیری، کرونا، قدرت، بیوتکنولوژی، دانش، اکنونیت، آینده‌پژوهی.

* دانشیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، dalirNh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

۱. مقدمه

شیوع ویروس کرونا افزون بر اهمیت آن در نظام بهداشت و سلامت، مسائل دیگری را در دنیای معاصر شکل داد که بسیاری از متفکران مجبور به بررسی آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی شدند. تاثیر ویروس کرونا از منظرهای گوناگون از جمله تاثیر این ویروس بر چگونگی استفاده از فناوری‌های ارتباطی، تغییر الگوی روابط اجتماعی انسان‌ها، تغییر فرهنگ اجتماعی، پیشرفت‌های علمی و ... مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر آن به دلیل ایده دست‌ساز بودن این ویروس، به بررسی تاثیر این ویروس بر نظام قدرت در دنیای معاصر نیز توجه شده است. از جمله اشاره شده است که در حوزه قدرت سیاسی و نظامی در دنیای پساکرونا تهدیدهای بیولوژیک اهمیت فراوان خواهند داشت.

در این حوزه، مطالعات گوناگونی پس از شیوع ویروس کرونا؛ کووید ۱۹ صورت گرفته است که البته به صورت مستقیم به بررسی رابطه مفهوم قدرت و شیوع ویروس کرونا نپرداخته‌اند بلکه به ارائه ایده‌هایی در مورد الگوهای نظام‌های سیاسی در دوران پساکرونا و تغییر الگوی قدرت نظامی در این دوران پرداخته‌اند. از جمله این آثار اثر «سیاست کرونا» نوشته محمدتقی قزلسفلی است (۱۳۹۹) که به دنبال نشان دادن تاثیر بیماری‌های همه‌گیر در تغییر تمدن‌ها و همچنین ضعف تمدن کنونی در مواجهه با پدیده‌های طبیعی چون ویروس کرونا است. آرش حیدری نیز در اثر «بیماری همه‌گیر و امر سیاسی: وبای عالمگیر» به تاثیر بیماری‌های همه‌گیر در تغییر نظام‌های سیاسی اشاره دارد (۱۳۹۹). آقاجری (۱۳۹۹)، نیز به نقش بیماری‌های همه‌گیر در تغییر نظام معرفتی و شکل‌گیری تمدن‌های جدید اشاره دارد. یوال نوح هراری نیز معتقد است که ویروس کرونا باعث خواهد شد یا جمع‌گرایی و ناسیونالیسم جدیدی شکل بگیرد یا انترناسیونالیسم جدیدی به وجود بیاید (Harari, 2020). هراری در اثری دیگر قرن آینده را قرن تسلط قدرت بیولوژیک معرفی کرده است (هراری، ۱۳۹۸). ژیزک نیز با بررسی تاثیر ویروس کرونا بر نظام‌های سیاسی معتقد است سوسیالیسم جهانی پاسخ مناسبی در مقابل شیوع بیماری‌های همه‌گیر چون ویروس کرونا است (ژیزک، ۱۳۹۹). اما پژوهش حاضر به تغییر الگوی نظام‌های سیاسی نخواهد پرداخت بلکه به چگونگی تغییر مؤلفه‌های قدرت در حوزه سیاسی و نظامی در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر توجه خواهد کرد.

مطالعهٔ مواجههٔ پدیدهٔ کرونا با مؤلفه‌های قدرت در این پژوهش در قالب چارچوب مفهومی قدرت - دانش و بر اساس آینده پژوهی مبتنی بر تاریخ اکنون صورت خواهد گرفت. به این معنا ارتباط مفهوم قدرت سیاسی و نظامی در دنیای معاصر با پدیده‌های بیولوژیک صورت‌بندی شده و نقش حوزهٔ دانش و دستاوردهای فن‌آورانه در شکل‌دهی مؤلفه‌های قدرت در دنیای جدید بررسی خواهد شد. قدرت سیاسی و نظامی دنیای معاصر جوامع کنونی بر اساس مؤلفه‌های خاصی نظم یافته و ورود پدیده‌های بیولوژیک این نظم را به چالش کشیده است. از این رو بازآرایی نظم نوین در سطح سیاسی، نظامی و اجتماعی در مواجهه با تهدیدهای بیولوژیک از طریق دستاوردهای حوزهٔ دانش، الگوی روابط قدرت در دنیای پساکرونا را شکل خواهد داد.

آینده پژوهی نیز با بررسی کلان روندها و فهمی از آینده تلاش دارد سناریوهایی از آینده، با بهره از الگوهای نظری و روشمند ترسیم کند. آینده پژوهی قادر است مسائل عصری و مسائل امروزی را به چالش کشد، و راه‌حلی خلاقانه بیافریند. آنچه انسان در «اکنونیت» خود بر آن احاطه دارد، از گذشته برآمده و به آینده امتداد و اتصال خواهد یافت. در آینده پژوهی، انسان با تکیه بر مقدمات خود به ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل، مطلوب و بعید دست می‌زند و از این طریق «آرمان شهر» یا «ویران شهر» خود را جلوه‌گر خواهد ساخت. شناسایی کلان روندهای تاریخی، شالوده‌شکنی مسائل، موضوعات و ترسیم الگویی محتمل از ایده‌های فرازمانی به ترسیم آینده مطلوب یاری می‌رساند. از جمله آثار مهم در حوزه آینده پژوهی مجموعه مقالات *تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها* از سهیل عنایت‌الله آیند پژوه پاکستانی می‌توان نام برد که تلاش دارد با شالوده‌شکنی مسائل، موضوعات، روندها و رویدادها را در پرسشی دوباره قرار داده و نشان دهد که ساختاربنندی دوباره مسئله، راه‌حل را تغییر می‌دهد. (عنایت‌الله، ۱۳۹۸) دیگر هم وطن او ضیاءالدین سردار مولف کتاب *آینده: تمام آنچه اهمیت دارد* تلاش کرده با رویکردی نقادانه آینده پژوهی اصیل را از غیر آن تفکیک کند. در مقدمهٔ اثر مترجم اشاره کرده که خواننده پس از خواندن کتاب در خود حسی از پرسش‌گری را خواهد یافت که در مقابل قرائت‌های مرسوم از آینده، مدام از خود می‌پرسد که آنچه بالاخره روزی فرا خواهد رسید چیست، آینده کیست و سهم من و ما از آن چه چیزی است؟ (سردار، ۱۳۹۶: مقدمه) در اشاره نزدیک‌تر به مسائل بیولوژیک و پیشرفت‌های تکنولوژیک از کتاب *آینده فرا انسانی ما؛ پیامدهای انقلاب بیوتکنولوژی*، اثر فوکویاما باید نام برد که با تمرکز بر نقش تکنولوژی بیولوژی در تغییر طبیعت انسان و رسیدن به مرحله فراانسانی و آینده پیش رو، پیشرفت‌ها و

خطرات آن را تصویر می‌کند. (فوکویاما، ۱۳۹۰) مجموعه بحث‌های سمینار نظریه اجتماعی به طور عام و کلان تاریخ به طور خاص دانشگاه هاوایی تحت عنوان *کلان تاریخ و کلان تاریخ دانان* توسط یوهان گالتونگ و عنایت الله به چاپ رسیده که اهمیت فهم و ادراک منطق کلان تغییرات و چارچوب تحول در موضوعات بزرگ نظیر تحول در کل یک تمدن و تاریخ را نشان داده است. (گالتونگ و عنایت الله، ۱۳۹۸) کتاب *درآمدی بر تعامل تاریخ و آینده* پژوهی نیز تلاش دارد نقش کلان روندهای تاریخی را در آینده پژوهی روشن و مهم می‌سازد. (افضلی، ۱۳۹۸) این آثار و بسیاری دیگر که در حوزه آینده پژوهی نگاشته شده‌اند تلاش دارند با استفاده از مبانی و الگوهای روشی، و ترسیم چشم انداز آینده از دریچه اکنونیت، و به ویژه با ملاحظه کلان روندهای تاریخی به سناریوهای محتمل و مطلوب و خلق ایده دست پیدا نمایند.

۲. بیماری‌های همه‌گیر و تغییر جامعه انسانی

بیماری‌های همه‌گیر در طول تاریخ بشری اغلب موجب تغییرات مهمی بوده و حتی موجب سقوط تمدن‌ها و شکل‌گیری تمدن‌های جدید شده است (قرلسفلی، ۱۳۹۹: 45-51). اما همه‌گیری بیماری کرونا اتفاق مهمی است که در عصر جدید حیات انسان پس از پیشرفت‌های تکنولوژیک قرن بیستم به‌عنوان واقعه‌ای مهم و تاریخ‌ساز رخ داد. شیوع بیماری‌های همه‌گیر در تاریخ حیات بشر پیش از قرن بیستم اغلب با تلفات بسیاری همراه بود که این امر اغلب به دلیل عدم رشد فن‌آوری‌هایی بود که به انسان اجازه می‌داد تا در مقابل رخدادهای طبیعی از خود دفاع کند. بنابراین پیش از انقلاب صنعتی و قرن بیستم، انسان در مقابل طبیعت بسیار آسیب‌پذیر بود و پس از این دوران بود که با کشف واکسن، تولید داروها، اهمیت یافتن امور بهداشتی و پیشرفت‌های فنی در حوزه سلامت و بهداشت، انسان معاصر توانست اراده خود را در مقاطعی بر طبیعت اعمال کند و در مقابل بسیاری از بیماری‌ها سد دفاعی ایجاد کند.

همه‌گیری بیماری کرونا و مطرح شدن عاملی طبیعی و بیولوژیک به‌عنوان مسئله مهم جامعه انسانی موجب شد انسان مجدداً در مواجهه با محیط طبیعی ضعیف جلوه کند و متوجه آسیب‌پذیری خود از محیط اطراف شود. تاثیر محیط طبیعی بر جوامع انسانی که پس از پیشرفت‌های فنی انسان معاصر به حداقل رسیده بود با همه‌گیری بیماری کرونا و تاثیر زیاد آن بر جوامع انسانی این پرسش را در مراحل نخستین مطرح کرد که این بیماری

موجب چه تغییر یا تغییراتی در زندگی انسان خواهد شد و یا انسان معاصر همچون پیشینیان خود مجبور خواهد شد در مقابل طبیعت سر خم کرده و به مقتضیات آن عادت کند.

در این چارچوب طبیعت؛ دوباره به‌عنوان خطری برای جوامع بشری رخ نمود و جامعه بشری را به تامل فلسفی و تاریخی واداشت. جوامع بشری مجبور به اندیشیدن در ساحت تاریخی شدند و به زمانی بازگشتند که در آن انسان مقهور طبیعت بود. بر این اساس حتی این ایده شکل گرفت که انقلاب صنعتی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و دستاوردهای مادی جوامع انسانی توان مقابله با طبیعت را ندارند و طبیعت؛ سرانجام راهی برای اراده قدرت خود پیدا خواهد کرد. موقعیت جدید انسان معاصر در مواجهه با طبیعت موجب شد ایده‌های مختلفی ارائه شود. از جمله اینکه این بیماری زندگی انسان را به‌صورت کامل تغییر خواهد داد (ژیزک، ۱۳۹۹) یا اینکه انسان بر این بیماری غلبه خواهد کرد و زندگی پیشین خود را از سر خواهد گرفت (Harari, 2020).

در همین راستا عده‌ای همه‌گیری بیماری کرونا را پدیده‌ای می‌دانند که مبدأ تحولات بزرگ هزاره سوم خواهد شد. چراکه این بیماری نظام روابط انسان‌ها را تغییر خواهد داد و الزامات جدیدی را برای جامعه انسانی ایجاد خواهد کرد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۱۳۱). از جمله این تغییرات بزرگ، تغییر روابط انسانی، گسترش ارتباط‌های مجازی، ظهور تکنولوژی‌های جدید، تغییر ماهیت انسان، به انسان منزوی، تغییر ساختارهای سیاسی و حکومت‌ها و گسترش حکومت‌های تمامیت‌خواه است.

در واقع تاثیر فراوان پدیده کرونا بر جامعه انسانی غیرقابل انکار است اما آنچه که این پدیده را به پدیده‌ای مهم در جامعه کنونی بشری تبدیل کرده، ماهیت طبیعی آن است. به عبارتی در چند دهه اخیر انسان معاصر به حاکم بلامنزاع دنیای طبیعی تبدیل شده است و صدمه‌های بسیاری را بر طبیعت وارد کرده به‌گونه‌ای که هشدارهای بسیاری داده می‌شود که این روند به نابودی زمین و حیات انسانی منجر خواهد شد. بر این اساس روند توسعه و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر با این چالش روبرو شده است که ادامه روند کنونی نه تنها منجر به توسعه نخواهد شد بلکه خطرات بسیاری را برای جامعه انسانی به همراه خواهد داشت. در این میان هجوم ویروس کرونا از قدرت شکننده انسان حکایت دارد و قدرت تخریب‌گری انسان را به چالش کشیده است. شیوع این ویروس این ایده را تقویت کرد که طبیعت در صدد پاسخ‌دهی به رفتار انسان‌ها است و به دنبال این است تا زخم‌هایی که انسان به طبیعت وارد کرده، التیام بخشد.

به دنبال شیوع ویروس کرونا افزون بر اهمیت یافتن تقابل انسان معاصر و طبیعت، این ایده نیز شکل گرفت که این ویروس، محصولی غیرطبیعی است و انسان بر اساس اهداف مشخص خود به تولید آن دست زده است. با مطرح شدن ایده دست‌ساز بودن ویروس کرونا این اندیشه نمود بیشتری یافت که این بحران بیولوژیکی می‌تواند به بحران‌های بیولوژیکی بعدی بیانجامد و قرن کنونی را به قرنی تبدیل کند که در آن مشکلات مهمی چون جنگ اتمی و سلاح‌های بیولوژیک مشکل اساسی جوامع بشری را شکل می‌دهند. این ایده به شدت در دنیای معاصر مورد توجه قرار گرفت چنانکه بر این اساس هراری قرن ۲۱ را قرن سلاح‌های بیولوژیک و تسلط تکنولوژی‌ها نامید و از این دوران با عنوان دوران دیکتاتوری دیجیتال نام برد و تصویری تاریک از زندگی معاصر انسان ارائه کرد (هراری، ۱۳۹۸: ۹۴ به بعد). به گونه‌ای که اخیراً این پیش‌بینی مطرح شده است که جنگ جهانی سوم در فضای مجازی شکل خواهد گرفت.

البته در مقابل تصویر تیره و تاریکی که از بحران‌های بیولوژیک دست‌ساز انسانی در آینده به دنبال شیوع ویروس کرونا ارائه شده است، این ویروس تأثیر مثبت نیز داشته است. به عنوان مثال شیوع ویروس کرونا موجب همگرایی انسان‌ها نیز شده است چراکه بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که این مشکل تنها با همکاری تمام کشورها و انسان‌ها قابل حل است و شیوع این گونه بیماری‌ها تمام جوامع انسانی را درگیر خواهد کرد. به همین دلیل این بیماری تبدیل به نقطه مشترک همه کشورها و قدرت‌ها در هم‌آوردی با طبیعت شده است. این احساس مشترک در مواجهه با تهدیدی طبیعی با تکنولوژی ارتباطات پیوند خورده است به گونه‌ای که این فناوری تبدیل به ساحت ارتباطی جدید میان انسان‌های معاصر شده است. فضای مجازی، مرزها را به راحتی از بین برده و حتی تعاملات بین‌المللی از طریق این فضا در مواردی بیشتر شده است. به این ترتیب اگرچه شیوع ویروس کرونا موجب ایجاد فاصله فیزیکی میان افراد شده است اما به دنبال خود ارتباط‌های مجازی را سرعت بخشیده است. بنابراین این ویروس، تغییری که هراری از آن بیم داشت و آن شیوع بیشتر فناوری و نقش بیشتر آن‌ها در نظام روابط انسانی بود را سرعت بخشید و بسیاری از مناسبات و ضرورت‌ها را تغییر داد، اما منجر به بیگانگی انسان‌ها با یکدیگر نشد. به عبارتی این تکنولوژی، تنها موجب تسلط قدرت‌های سیاسی و فناوری بر شئون انسانی نشد بلکه برخی تغییرات را به دنبال داشت که منجر به تزلزل پایه‌های قدرت‌های توتالیتر و تسلط تکنولوژی بر حیات انسان نیز شد.

ایجاد فاصله میان انسان‌ها به دنبال گسترش ویروس کرونا، شوک مهم عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به دنبال داشت که از آن به عنوان نقطه آغاز تعارض‌های گفتمانی نیز یاد شده است (عبدی، ۱۳۹۹/ب). تعارض گفتمان‌ها در سطح سیاسی با ایده جنگ بیولوژیک دنیای تیره و تاریکی را ترسیم می‌کند که در آن نقش فناوری تثبیت تعارض‌ها و گسست جامعه از حوزه سیاست است. در این رویکرد، مشروعیت و قدرت حکومت از افراد جامعه تفکیک شده و حکومت‌های توتالیتر قدرتمند مبتنی بر فناوری‌های نوین شکل می‌گیرد و جوامع انسانی را به سمت روابط غیرانسانی سوق می‌دهد. این ایده که در روایت‌های تخیلی اواسط قرن بیستم نمود بیشتری دارد با تغییراتی در قالب تغییر روابط انسان‌ها و روابط قدرت در سده بیست و یکم در سایه فناوری توسط اندیشمندان مختلف صورت‌بندی شده است. در این صورت‌بندی اغلب تکنولوژی و فناوری در راستای تحکیم روابط قدرت سیاسی تصویر شده است چراکه بسیاری نگران هستند که حکومت‌ها از این فناوری‌ها در راستای تسلط بیشتر بر رفتار انسان‌ها و ایجاد جوامع محدود استفاده خواهند کرد.

فناوری‌های نوین البته این امکان را نیز ارائه کرده‌اند که انسان معاصر نقش فعال‌تری در جوامع خود ایفا کند. حضور در عرصه‌های اجتماعی، تولید محتوا در عرصه فرهنگی و گسترش حوزه‌های دانش و آگاهی و تماس بیشتر و نزدیک‌تر انسان‌ها باعث شده است بسیاری از چارچوب‌های روابط پیشین تغییر پیدا کند و با افزایش سرمایه اجتماعی و انسانی و سیاسی، انسان معاصر در جامعه جدید نقش متفاوت و فعال‌تری را ایفا کند. با تغییر ماهیت فناوری‌ها حتی انسان معاصر به راحتی در تولید فناوری نیز نقش ایفا می‌کند. به گونه‌ای که حتی اکنون ادعا می‌شود با تکنولوژی‌ها جدید هر فرد می‌تواند خود به تولید ویروس اقدام کند. از این رو در این چارچوب انسان معاصر می‌تواند هم در حوزه اجتماعی و هم در حوزه دفاعی و سیاسی نقش بیشتری ایفا کند.

ویروس کرونا نیز مانند طاعونی که در قرون وسطی، آسیا و اروپا را درنوردید و در نهایت تحول مهمی در اروپا به وجود آورد ساختارهای قدرت را به چالش کشیده است چراکه هر شهروند تبدیل به کنشگری در عرصه سیاسی، اجتماعی و حوزه سلامت شده است. ویروسی که در قرون وسطی شیوع پیدا کرد در نهایت موجب تحولاتی عظیم شد به گونه‌ای که بسیاری رنسانس را محصول طاعون در اروپا و پیامد آن می‌دانند (ر.ک: آفاجری: ۱۳۹۹: ۲۰۳-۲۱۴). بنابراین بسیاری همه‌گیری کرونا را به عنوان عامل تغییر بزرگ

هزاره سوم در نظر گرفته‌اند و بر این اساس عده‌ای معتقدند ظهور تکنولوژی‌های پیشرفته و شیوع ویروس‌ها جوامع آینده را به سوی نظام‌های توتالیتر و مخالف دموکراسی سوق خواهند داد و دولت‌ها و قدرت‌ها، لویاتانی خواهند شد، و در مقابل عده‌ای نیز امیدوارند این ویروس نه تنها منجر به دیکتاتوری‌های جدید نشود بلکه منجر به بسط ایده‌های دموکراسی و شکل‌گیری دنیای جدید بر اساس ایده مشارکت همگانی انسان‌ها در تمام ساحت‌ها شود. امری که در عصر کنونی به‌عنوان یکی از مولفه‌های توسعه و البته مهم‌ترین آن‌ها شناخته شده است (فزلسفلی، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

تاثیر ویروس کرونا در جامعه انسانی معاصر چنان فراوان است که این ویروس و عملکرد آن از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. از سوی نظام درمان، پزشکان، روانپزشکان، محققان دانش‌های گوناگون زیستی، روانشناسی و جامعه‌شناسی و در کل عالمان علوم انسانی و طبیعی در سراسر دنیا تحلیل‌های بسیاری پیرامون این امر در ابعاد گوناگون به ثبت رساندند. در فضای مجازی نیز معلومات و دانشی کم نظیر از سوی محققان داخل و خارج پیرامون تاثیر این ویروس منتشر شد که حجم وسیعی از اطلاعات دانشی در حوزه‌های گوناگون از این پدیده در اختیار جامعه انسانی قرار داده است. در این میان آثاری نیز به بررسی تطبیقی میان پاسخ جوامع و شباهت و تفاوت آنها در مواجهه با این ویروس پرداخته‌اند. این امر همچون بسیاری از تبعات این ویروس، رخداد بی‌سابقه و فرصت محسوب می‌شود. چراکه پاسخ‌های ارائه‌شده، در مقابل این پدیده و نقد و تحلیل آن‌ها در میان جوامع بشری، قدرت پاسخ جوامع معاصر به موضوعی یکسان را نشان می‌دهد. (ر. ک: دلیر، ۱۳۹۹: ۸۳) این امر می‌تواند نقطه کانونی مفهوم قدرت در عصر جدید باشد چراکه توان هم‌اوردی در مقابله با این مشکل نشانگر توان جوامع در کسب مولفه‌های جدید قدرت است. قدرتی که در دنیای معاصر با ظهور پدیده‌هایی چون فناوری، حمله‌های بیولوژیک و تغییر نظم و ساختار سیاسی و اجتماعی به چالش کشیده شده است. از این رو بررسی پدیده کرونا در خط سیر کرونولوژیک و درنگ بر آن به‌عنوان لحظه تجسد (فزلسفلی، ۱۳۹۹: ۱۵) جهت تبیین وضعیت انسان معاصر امری الزامی است.

۳. فناوری و بیماری همه‌گیر

پدیده کرونا، نمودی از نابهنگامی در تاریخ است (ر. ک: نیستانی، ۱۳۹۹) چرا که در عصری ظهور کرده است که انسان مدرن ادعای تسلط بر طبیعت را دارد. اما ویروس کرونا به‌عنوان

پدیده‌ای که توان مقابله انسان و پیش‌بینی او را به چالش کشیده در عصر حاضر پدیده‌ای منحصر به فرد محسوب می‌شود. چراکه این پدیده به علت پیش‌بینی ناپذیری و اتفاقی بودن، موجب حیرت در میان پزشکان، مورخان، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان شده است. واکنش جمعی آنها نشان می‌دهد که کرونا برای همه آنها معنی‌دار است و بر مفاهیم کرونولوژیک حوزه‌های کنش آنها تاثیر گذاشته است (عبدی، ۱۳۹۹/الف). از این رو باید گفت این امر به مثابه آزمونی بین‌المللی و جهانی است که پرسش‌های متعددی را برای تمام کشورها، فرهنگ‌ها، مذاهب و گروه‌ها به فراخور حال هر کدام مطرح کرده است و قاعدتاً پاسخ برخی از این سوال‌ها از سوی جوامع انسانی همسان و پاسخ برخی از آنها نیز ناهمسان خواهد بود و تفاوت‌ها نیز از همین جا آغاز خواهد شد. به بیانی پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های همسان یا ناهمسان آینده این جوامع را رقم خواهد زد. جواب متفاوت جوامع به این مسائل است که تفاوت در سرنوشت آتی بشر را در آینده رقم خواهد زد. همچنانکه تجربه تاریخی نشان داده است، جوامعی که نخستین پاسخ‌ها را در مقابل موضوعاتی که جوامع انسانی با آن روبرو می‌شوند را ارائه می‌کنند اغلب به قدرت‌های بزرگ آن زمان تبدیل می‌شوند و گاه به ایجاد تمدن جدید نیز دست می‌زنند. بنابراین تفاوت‌ها در آینده جوامع هنگامی رخ می‌دهد که پاسخ‌های متفاوت به مسائل متفاوت یا مشابه ارائه کنند. (دلیر، همانجا)

در این بستر جامعه معاصر در مواجهه با ویروس کرونا و تهدیدهای بیولوژیک پاسخ موجود را در فناوری جستجو کرده است. به عبارتی موضوع اساسی در مواجهه با این پدیده این است که از تکنولوژی‌های موجود در مقابله با این ویروس استفاده شود. همچنین به تکنولوژی‌هایی اندیشیده شود که دنیای جدیدی که با تهدیدهای بیولوژیکی مواجه است بتواند از آنها در نظام قدرت استفاده کند. بنابراین یکی از مهم‌ترین پیامدهای این پاندمی توجه به فناوری‌های زیستی و رابطه آن با مفهوم و مؤلفه‌های قدرت است. به این معنا که چگونه فناوری‌ها انسان‌ها را در مقابل هجوم ویروس‌ها می‌توانند محافظت کنند و چگونه این فناوری‌ها تبدیل به منبع تولید قدرت در مواجهه با سایر کشورها و حتی در جامعه خود می‌شود.

تغییرات تکنولوژیک چنان در دوران معاصر اهمیت یافته است که برخی از آن با عنوان انقلاب صنعتی چهارم یاد کرده‌اند (شواب، ۱۳۹۶). بر این اساس آنچه در دنیای جدید تعیین کننده تصور شده است علم و فناوری است. چرا که این دو به عنوان ویژگی و مؤلفه

دنیای معاصر معرفی شده و هر آنچه که این دو، توان شناسایی آن را نداشته باشند از قالب فهم انسان معاصر خارج شده است (میچام، ۱۳۸۸: ۴۴). البته در این میان با توجه به نیاز فوری انسان در مواجهه با ویروس کرونا فناوری از جایگاه مهم‌تری برخوردار شده است، چراکه در مواجهه با این پدیده تنها ابزار موجود انسان برای بقا محسوب می‌شود. اهمیت یافتن مجدد فناوری این بار در نظام سلامت و همچنین تهدیدهای بیولوژیک باعث شده است موضوع ارتباط فناوری با علوم انسانی و اجتماعی نیز مورد توجه قرار گیرد. ارتباطی که این بار از زاویه قدرت سیاسی و نظامی به آن پرداخته شده است. چرا که بیماری همه‌گیر و فناوری مقابله با آن، بعد نظامی و سیاسی یافته است. از این رو در این دوره پیوندی که پیشتر فوکو از آن با عنوان دانش و قدرت یاد کرده بود (نک: ضیمران، ۱۳۹۹؛ میلز، ۱۳۹۲: ۱۱۲؛ دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۳۶۳-۲۰۳؛ رز، ۱۳۷۷) هم اینک به فناوری-قدرت تبدیل شده و بن‌مایه دانشی که قدرت و رژیم‌های حقیقت را می‌سازد از فناوری و تکنولوژی بر ساخت شده است.

شیوع ویروس کرونا موجب شده است تولید و استفاده از فناوری‌ها زیستی در مواجهه با خطرات بیولوژیک تبدیل به دغدغه مهمی برای متفکرین عصر حاضر شود. به این معنا متفکرین به این موضوع توجه کرده‌اند که تکنولوژی آینده، باید تولیداتی را عرضه کند که با تهاجم وسیع موجودات بیولوژیکی مقابله کند. این ویروس‌ها چه طبیعی و چه دست‌ساز، مسئله امنیتی آینده انسان‌ها هستند. بنابراین در عصر پساکرونا دانش بیولوژی به شدت مورد نیاز است و تلفیق آن با سایر تکنولوژی‌های فنی و مهندسی مسئله‌ای است که همه به آن اذعان دارند. دانشی که باید پاسخ رفتار و جهش‌های ژنی ویروس‌هایی مانند ویروس کرونا را بدهد. بنابراین چنین پنداشته شده است که انقلاب بزرگ علمی آینده در حوزه بیولوژیک رخ خواهد داد و انقلابی در فناوری‌های زیستی رقم خواهد خورد، و قدرت و حقیقت از آن بر ساخت خواهد شد.

بنابراین با توجه به تهدیدهای زیستی که گاه از آن به عنوان تهدیدهای قرن جدید یاد می‌شود توجه به علم و فناوری‌های زیستی و پیش افتادن در این مسیر، قدرت آینده کشورها را رقم خواهد زد و هر جامعه‌ای که زودتر به این مسیر گام بگذارد قدرت و حقیقت را برای خود فراهم خواهد کرد. این جوامع نه تنها از صدمات ناشی از حملات بعدی موجوداتی مانند ویروس‌ها مصون خواهند بود بلکه به تغییرات بزرگ علمی و تحول مهم در این عرصه دست پیدا خواهند کرد. از این رو در قرن جدید مهم‌ترین ضرورت در

راستای قدرت سیاسی و نظامی دسترسی به فناوری‌های زیستی است، (نک: دلیر، ۸۴) و دانشی که آن را به حقیقت بدل سازد. واکسیناسیون فراگیر در هر جامعه‌ای افزون بر اینکه از قانونمندی و توانمندی دولت و جامعه نشأت می‌گیرد از سوی دیگر خود بر افزودن توان و قدرت هر جامعه‌ای که زودتر و فراگیرتر بدان دست یابد منجر خواهد شد. از این رو در همه‌گیری کرونا، مسابقه تولید واکسن که از سوی قدرت‌ها و دولت‌ها مشاهده شد، نشان از آینده‌ایی پراهمیت برای تولید و تزریق واکسن خواهد داشت. در بحران‌های بیولوژیک آتی تولید و فرآیند تزریق همگانی «واکسن» از مهمترین مؤلفه‌های قدرت حکومت‌ها و جوامع خواهد بود، و متقابلاً نیز این امر بر افزایش قدرت حکومت‌ها تاثیر بسزایی باقی خواهد گذارد.

افزون بر اهمیت یافتن دانش و فناوری‌های زیستی در دنیای معاصر و آینده، استفاده از «فناوری‌های رابط» نیز موضوعی است که در ساحت‌های مختلف زندگی انسان معاصر اهمیت یافته به گونه‌ای که فناوری‌های ارتباطی به الگویی غالب از روابط انسان تبدیل شده است. در قالب این الگو نیز انسان مدرن از طریق ابزاری که در اختیار دارد با محیط اطراف خود در تعامل است. به‌عنوان مثال فناوری‌های رابط در دوران شیوع ویروس کرونا ارتباط انسان با محیط اطراف که اکنون به‌عنوان تهدیدی جلوه‌گر شده است را برقرار کرده است. به‌عبارتی فناوری‌های رابط که مرحله‌ای از تکامل دانش بشری است در این دوران تلاش دارد تا حد امکان، به جای درگیر شدن با ویروس‌ها و موجودات بیولوژیک، و یا مواجهه با ویژگی‌های جهش یافته آنها، از اساس، محیط غیرتماسی و یا محیط نایمن برای آنها ایجاد کند. از جمله تغییرهای روی داده در این دوران تغییر تکنولوژیک از لمسی به سایر حوزه‌های حواس پنجگانه است. به‌عبارتی در این دوره تغییر پارادایم تکنولوژی لمسی به تکنولوژی فرا لمسی یعنی استفاده از واسط‌های تصویری، صوتی، فراصوتی و پیشرفته‌تر از همه ذهنی رخ داده است که با کمک فرکانس‌های مغزی صورت می‌پذیرد. در همین راستا استفاده از تکنولوژی واقعیت‌های مجازی در دوران شیوع ویروس کرونا نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و برخی از متفکرین مدعی هستند که به‌زودی این گونه ارتباط انسانی به گونه غالب ارتباطات اجتماعی تبدیل خواهد شد. به‌بیانی این تغییرات ضرورت و اولویت جوامع بشری است که توجه به پیامدهای مهم ویروس‌های همه‌گیر آن را تشدید کرده است. توسعه و رشد فناوری‌ها در حوزه زیستی و همچنین در حوزه تعامل‌های انسانی نشانگر این است که برخلاف پیش‌بینی‌های آخرالزمانی انسان معاصر نه تنها وارد مرحله پایانی حیات خود نشده است، بلکه وارد مرحله جدید تمدنی خود شده است. تغییر

تکنولوژی لمسی و حذف رابط‌های کاربری به تدریج در حال رخ دادن است و واقعیت مجازی جای واقعیت فیزیکی را پر کرده است. (نک: دلیر، همان)

افزون بر آن این بیماری باعث شده است که انسان‌ها به درون بدن خود بازگردند (نصراصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۵۱) و حتی سبک زندگی آن‌ها تغییر یابد (رضائی، ۱۳۹۹: ۱۹۶). به گونه‌ای که تکنولوژی مبتنی بر حس لامسه که سرتاسر زندگی ما را در بر گرفته است در حال تغییر است و تکنولوژی‌هایی ظهور کرده‌اند که در آن رابط‌های فناوری حذف شده‌اند و فناوری با جسم انسان عجین شده است. بر این اساس این تکنولوژی‌ها می‌تواند در مواجهه با خطرهای بیولوژیک مانند ویروس‌ها و میکروب‌ها مثر ثمر باشد. چرا که این تکنولوژی‌ها کمک می‌کنند انسان با محیط اطراف خود با حداقل رابط‌ها در تماس باشد. به عبارتی یکی دیگر از مولفه‌هایی که انسان می‌تواند قدرت خود را بر طبیعت اعمال کند در حال شکل‌گیری است و انسان معاصر در تلاش است با استفاده از تجربه‌های پیشین و دستاوردهای جدید در مقابله با طبیعت بتواند به حفظ حیات خود اقدام کند. بنابراین تجربه انسانی در استفاده از این تکنولوژی و فراگیر شدن آن الزامی است که انسان معاصر آن را در دوران پساکرونا احساس کرده و گونه‌های بسیاری از آن‌ها را به کار می‌برد مانند حذف تعامل‌هایی که نیاز به تماس مستقیم دارد.

پیشرفت و توسعه این فناوری‌ها البته در پیوند با موضوع دیگر جامعه انسانی معاصر قرار دارد و آن حضور انسان در کرات دیگر و کوچ انسان‌ها به این سرزمین‌های نویافته است. بسیاری بر این اعتقاد هستند انسان برای زندگی خود در آینده نزدیک مجبور به کوچ به کره‌های دیگر خواهد شد و از سرزمین مادر فاصله خواهد گرفت؛ امری که هم‌اکنون با پیشرفت‌های فنی در حال رخ دادن است و به زودی انسان‌هایی جهت سکونت به کره مریخ فرستاده خواهند شد. در این تجربه آنچه که برای دانشمندان در حوزه سلامت اهمیت دارد امکان مواجهه انسان با خطرات احتمالی طبیعی و ویروس‌هایی است که در کره زمین وجود ندارد. از این رو تجربه انسان در مواجهه با ویروس‌ها همچون ویروس کرونا می‌تواند منجر به این شود که انسان معاصر در تجربه زندگی خود در سایر مکان‌ها بتواند از موجودیت خود دفاع کند.

۴. بیماری‌های همه‌گیر و مفهوم قدرت

در حالی که در قرن بیست‌ویکم جامعه بشری با توجه به پیشرفت‌های صنعتی به سمت نظامی‌گری پیش می‌رفت و تهدید بزرگ جهانی، جنگ‌افزارهای نظامی چون بمب‌های هسته‌ای یا موشک‌های قاره‌پیما قلمداد می‌شد به ناگاه تهدیدی بس جدی رخ نمود و نشان داد آنچه می‌تواند بشر را تا مرز نابودی بکشانند نه قوت گرفتن میلیتاریسم در جهان است و نه خطر سیاستمداران پوپولیست و نه افراطی‌گری. اگرچه هر کدام به نوبه خود بحران آفرین است؛ اما این بار خطر بزرگ با نمود جدیدی جلوه‌گر شده است. موجودیت انسان با چالشی از جنس بیولوژیک مواجه شد. چالشی که حتی از قوی‌ترین سلاح‌های دست‌ساز بشر نیز می‌تواند مخرب‌تر عمل کند.

با مطرح شدن ایده دست‌ساز بودن ویروس کرونا تاثیر این پدیده در مفهوم قدرت در حوزه‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. اهمیت این پدیده در حوزه قدرت نظامی در قالب استفاده آن به عنوان سلاح‌هایی است که توان تخریب گسترده و تاثیرگذاری غیرمستقیم دارد. در حوزه قدرت سیاسی نیز این پدیده به عنوان عاملی در جهت افزایش قدرت کشورها در سطح جهانی از طریق به‌کاربردن این سلاح یا ارائه راه‌های درمان آن در مقابل امتیازهای بیشتر درک شده است. افزون بر آن به دلیل اعمال نظم و محدودیت از سوی حکومت‌ها این پدیده در راستای قدرت سیاسی و اجتماعی بیشتر تفسیر شده است.

اهمیت ابعاد نظامی پدیده بیماری همه‌گیر همچون ویروس کرونا از دو منظر قابل بررسی است. نخست از آن جهت که تولید این ویروس‌ها می‌تواند به عنوان سلاح‌های مهم در روابط قدرت بین‌المللی به کار رود و نظم سیاسی جهانی و حتی داخلی را با چالش مواجه کند. از این رو در مواجهه با این تهدیدها نیاز به بازآرایی نظم سیاسی و اجتماعی و تبیین مؤلفه‌های قدرت شکل می‌گیرد. افزون بر آن ارائه راه‌های مقابله با این ویروس‌ها می‌تواند عامل برتری کشورها بر یکدیگر در حوزه سیاسی و نظامی شود و منجر به دستاوردهای نظامی بیشتر گردد.

در سیر پیشرفت‌های فنی انسان، پدیده‌ها و دستاوردهای نظامی تاثیر زیادی بر پیشرفت‌های جوامع انسانی داشته‌اند و اختراعاتی صورت گرفته در این حوزه تبدیل به فناوری‌های مورد استفاده در جوامع بشری شده است. بر این اساس این ایده که ویروس کرونا سلاحی بیولوژیک است می‌تواند انسان را وادارد تا دستاوردهای فنی جدیدی را در

جهت مواجهه با آن اختراع کند و در اختیار بشر قرار دهد. این دستاوردها می‌تواند در سایر حوزه‌های زندگی بشر نیز به کار برود و به نوبه خود موجب قدرت جوامع در سطوح اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شود. چراکه دستاوردهای علمی موجب افزایش قدرت جوامع می‌شود.

با رویکرد اسپینوزایی (ر.ک: فرمehنی فراهانی و دیگران، ۱۳۹۶)، ویروس کرونا نیز مانند هر پدیده دیگری مهم است که چه توافقی از نیروها را شکل می‌دهد. به عبارتی کرونا می‌تواند موجب شود که ناتوانی، درماندگی و فلاکت نظم موجود و نهادها و کارگزاران آن عیان شود و به دنبال آن باعث شود تا نیروهای انبوه بسیج، متصل و تشدید شوند و «وضعیت فعلی امور» را تغییر دهند، به گونه‌ای که همچون پالایش‌گری برای دگرگونی به وضعیت «خوب» عمل کنند (حبیبی، ۱۳۹۹). از سویی دیگر می‌تواند کشورها را در گرداب تلفات مختلف گرفتار کند. بنابراین ویروس کرونا به‌عنوان پدیده‌ای که در روابط قدرت تاثیرگذار است توان تغییر نظم سیاسی و نظامی کنونی را خواهد داشت.

ارتباط بیماری‌های همه‌گیر با عرصه سیاسی و قدرت در طول تاریخ بیماری‌های همه‌گیر سابقه داشته است. به‌عنوان مثال همه‌گیری بیماری طاعون در دهه‌های ۱۸۳۰ تا ۱۸۶۰ میلادی همزمان با منظر استعمار و الگوی جهانی شدن روابط قدرت در سطح جهانی را تغییر داد و ایده ملت واحد را پرورش داد. همچنین ایده بسط ید حکومت در اداره زندگی اجتماعی را موجب شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۴-۷۵). شیوع ویروس کرونا در دنیای معاصر نیز با توجه به این سابقه بسیاری از متفکرین را به فکر واداشته است که آیا این ویروس توان این را خواهد داشت تا ساختارهای موجود را تغییر دهد. البته وجه دیگری که این ویروس باعث شده تا متفکرین به آن توجه ویژه داشته باشند موضوع فرضیه ساخت آن توسط انسان است. به عبارتی این موضوع درباره این ویرس اهمیت بیشتری یافته است که این ویروس توسط انسان به منظور تغییر روابط قدرت در سطح جهانی تولید شده است و توان آن را دارد که نظم سیاسی بین‌المللی را تغییر دهد. این موضوع با قدرت گرفتن چین به‌عنوان ابرقدرت جهان و افول آمریکا و سرعت گرفتن این تغییر جایگاه تقویت شده است. چراکه چین توانست در ایام کرونا رشد خود را ادامه دهد و به تنها کشوری تبدیل شود که از آسیب‌های بیماری کرونا مصون مانده است و برخلاف سایر کشورها که به رکود وحشتناکی دچار شده‌اند حتی بتواند مسیر رشد خود را با سرعت بیشتری طی کند.

فارغ از آزمایشگاهی یا طبیعی بودن ویروس کووید ۱۹، مهم این است که دانش دست‌کاری در ژنوم ویروس‌ها و به کارگیری هوشمند آنها به جای سلاح‌های فیزیکی تبدیل به واقعیتهای انکارناپذیر در آینده جوامع انسانی شده است. به گونه‌ای که برخی از متفکرین خطر دنیای آینده را سلاح‌های بیولوژیک توصیف کرده‌اند. سلاح‌هایی که در آزمایشگاه‌های فوق پیشرفته در حال آزمون و خطاست. بنابراین تلاش برای پاسخ به این پرسش که جهان پس از کرونا در عرصه مبارزه برای قدرت به کدام سو خواهد رفت تبدیل به سوالی مهم در عرصه قدرت سیاسی شده است. (دلیر، ۱۳۹۹: ۸۳) همچنین متفکرین به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستند که امکان تداوم بیماری همه‌گیر یا حمله‌های بیولوژیک تا چه حد امکانپذیر است و چه راهکارهایی جوامع برای تداوم چنین روندی باید در پیش بگیرند.

در مواجهه با ویروس کرونا و تهدیدهای بیولوژیک نظام بهداشت و سازمان سلامت رسالت جدی در درمان و پیشگیری بیماری‌ها دارد. اما موضوع مهم دیگر در مواجهه با این پدیده حفظ نظم سیاسی و حفاظت از ساختار قدرت است که به نظر می‌رسد در دوران هجوم سلاح‌های بیولوژیک تنها از طریق فناوری‌های نوین قابل تامین خواهد بود. به عبارتی در این هم‌اوردی قدرت کشورهای قدرتی خواهند یافت که بتوانند در مقابل این سلاح از خود محافظت کنند. این امر باعث شده است که در دنیای معاصر جوامع توجه ریشه‌ای‌تر و بنیانی‌تر به تلفیق فناوری در ساختار قدرت داشته باشند چرا که هر کشوری که زودتر این مهم را دریابد می‌تواند قدرت بیشتری در دفاع از خود و همچنین در مناسبات جهانی داشته باشد.

البته در این میان عدم توجه به ایجاد ارتباط حکومت و مردم از طریق ابزارهای فناوری می‌تواند خود موجب تداوم شرایطی شود که به دنبال هجوم ویروس صورت گرفته است و آن فاصله گرفتن قدرت سیاسی از مردم و تلاش حکومت‌ها برای محدود کردن مردم است. به این معنا که اگر قدرت‌ها و حکومت‌ها خود را بی‌نیاز از مردم بدانند و سعی داشته باشند تا با استفاده از فناوری‌ها نوین مؤلفه‌های قدرت را از جامعه تفکیک کنند این خود به استهلاک رابطه حکومت و مردم خواهد انجامید (طاهری‌کیا، ۱۳۹۹: ۱۱۵) و به دنبال خود می‌تواند خطرهای جدی را برای حکومت‌ها به همراه داشته باشد. چرا که محدوده قدرت در این رابطه تنگ‌تر و نیروهای رقیب افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین نیاز به نظم نوینی خواهد بود تا رابطه حکومت و جامعه بازتعریف شود.

پاسخ اولیه در مواجهه با مسئله پاندمی به منظور ایجاد نظم جامعه، قرنطینه کردن انسان‌ها بود که خود پیامدهای مهمی داشت (ر.ک: میرزائی، رحمانی، ۱۳۹۹). چراکه انسان حاضر در عرصه اجتماع به یکباره مجبور به انزوا شد و بسیاری از فعالیت‌ها او مختل شد. این موضوع که انسان در مواجهه با این ویروس باید به غار خودانزوایی بخزد و در پیرامونش فرآیندهایی را تولید کند که از او موجودی در درون خانه، اما در کنار اجتماع بسازد و به زیست خود به این گونه ادامه دهد و به مدد رسانه و ارتباطات تمدن دیگری از انسان نوین با ویژگی‌های خودانزواگزینی را ایجاد کند، موضوعی است که خود نیاز به تغییر فرهنگ و تکنولوژی دارد. این امر نظم اجتماعی کنونی و مولفه‌های اجتماعی قدرت را که در طی قرون متمادی پابرجا بود تغییر می‌داد، امری که آسان به نظر نمی‌رسد.

ویروس کرونا با استفاده از مفهوم قرنطینگی و ایجاد نظم نوین، نظم دنیای معاصر را به چالش کشید چراکه به‌عنوان مثال فناوری‌هایی که در صدد ایجاد راحتی بیشتر برای انسان معاصر بود اکنون تبدیل به وسیله‌ای برای کنترل او شده بود. این فناوری‌ها در چارچوب جلوگیری از شیوع بیماری و کنترل آن مورد استفاده قرار گرفت و توانست کنترل بیشتری بر انسان معاصر اعمال کند. به این معنا حکومت از فناوری در جهت برقراری قرنطینه یا رعایت بهداشت فردی و جمعی استفاده کرد و از این طریق نظم جدیدی در جامعه برقرار کرد که نظام‌های اجتماعی و فرهنگی را تحت تاثیر گذاشت. این نظم نظامی است که فوکو از آن در مراقبت و تنبیه یاد کرده است (ر.ک: فوکو: ۱۳۷۸)، نظامی که به دنبال تحمیل نظم دلخواه حکومت است و در آن روابط جوامع انسانی نظامی از پیش تعیین شده است. تحمیل نظم نوین بر اساس فناوری‌های جدید مانند ردیابی مبتلایان بیماری کرونا از طریق تلفن همراه به دولت‌ها توان بیشتری در مواجهه با این تهدید بیولوژیک ارائه کرد. چراکه اصلی‌ترین راه انتقال ویروس‌ها از طریق تماس و نیروی لامسه یا از طریق مراودات اجتماعی است و این فناوری‌ها امکان کنترل این ارتباطات را فراهم می‌سازد. در این بستر البته فناوری‌های نوین تنها به محدود کردن انسان‌ها نپرداختند بلکه از طریق ایجاد رابط‌های کاربری به دنبال حذف تماس‌های غیرضروری نیز برآمدند. به‌عنوان مثال در هنگامه پاندمی کرونا تکنولوژی‌هایی که در آن تماس فیزیکی را به حداقل می‌رساند کاربرد بیشتری پیدا کرد و اغلب مراودات نیز به صورت مجازی برگزار شد حتی مراودات سیاسی که اغلب به دلیل بعد امنیتی ترجیح داده می‌شد به صورت حضوری برگزار شود تا از درز اطلاعات جلوگیری شود. بنابراین این فناوری‌ها از سویی امکان کنترل بیشتر را مهیا کردند و از سویی امکان تعاملات بیشتر را فراهم ساختند.

تغییر نظم موجود اجتماعی در مقابل متغیر مهمی در دنیای معاصر قرار گرفت که از آن برای فهم تحولات عصر جدید استفاده می‌شود. این مفهوم که کوزلک آن را مطرح کرده است مفهوم «شتاب» است (ر.ک: حسن دخت فیروز و دیگران، ۱۳۹۹). مفهوم شتاب به این معنی است که سرعت دنیای معاصر در مواجهه با پدیده کرونا به چالش کشیده شده است. چراکه در دوران کنونی شتاب فناورانه و پویایی ارتباطات در همه عرصه‌ها، بسیاری از مفاهیم را دستخوش دگرگونی کرده است و «افق انتظاری» ایجاد کرده است که مختص انسان معاصر است. این افق بستگی زیادی به میزان تجربه بشر دارد و اکنون تحت تأثیر ویروس کرونا قرار گرفته است. به این معنا با شیوع ویروس کرونا سرعت جامعه انسانی که در اثر انقلاب‌های تکنولوژیکی قرن بیستم افزایش یافته بود در مقابل مفهوم قرنطینه‌شدن قرار گرفت که به دنبال کند کردن روند زندگی است. بر این اساس «شتاب» دوران کنونی امکان اتخاذ شیوه‌های سنتی برای پیشگیری از پاندمی‌ها را به چالش کشید زیرا این شیوه‌ها نظم دنیای معاصر را مختل کرده و بر بسیاری از فعالیت‌های جوامع معاصر تأثیر نامطلوبی برجای گذاشته‌اند. بر این اساس در دنیای جدید مفاهیم مربوط به حوزه پیشگیری در معرض خوانش، بازنگری و دگرگونی قرار گرفته است (عبدی، ۱۳۹۹/الف).

عدم تناسب شیوه‌های پیشین مبارزه با پاندمی‌ها باعث شده است فناوری‌های جدید در دوران شیوع ویروس کرونا کووید ۱۹ مورد توجه قرار گیرد تا سرعت دنیای معاصر حفظ شود و افق مورد نظر انسان معاصر تامین شود. به‌عنوان مثال سیاستمداران در دوران شیوع پاندمی عرصه مجازی را به‌عنوان محل برخورد‌های عقاید خود قرار داده‌اند و فضای سیاست از عرصه‌های دیپلماتیک به عرصه عمومی رسیده است. در کشورهایی که حکومت بسته‌تری دارند و مشارکت مردم در امور سیاسی نیز اندک است شیوع ویروس کرونا موجب شد که حکمرانی به حمایت مردم در اداره کشور در بحران‌ها نیاز پیدا کند (منصوری، ۱۳۹۹: ۳۷۹)، از این رو در این دوران تغییری در روابط قدرت بین مردم و دولت شکل گرفته است و مردم نقش بیشتری در فرآیندهای سیاسی ایفا می‌کنند.

پاندمی کرونا آسیب‌های روانی زیادی به جهانیان وارد کرد. به‌گونه‌ای که انسان معاصر که اهمیت زیادی به مفهوم آزادی و بخصوص آزادی فردی می‌داد و به دنبال تحقق آزادی در تمام ساحت‌ها و حتی رهایی از تسلط دولت‌ها بر شئون زندگی بود، به میل و خواسته خود از آزادی خود چشم پوشید و تن به محدودیت داد. انسان معاصر بر این اساس قوانین و پروتکل‌های تعریف شده را که در مخالفت با آزادی او بود را پذیرفت و اغلب خود تن به قرنطینه شدن داد. به این ترتیب ویروس کرونا موجب شده است تا انسان معاصر انزوا و

محدودیت را به آزادی ترجیح دهد و از بسیاری از آرزوهایش صرف نظر کند. چراکه در دوران شیوع کرونا اولویت دولت‌ها و مردم حفظ سلامتی انسان‌ها بوده و این امر به صورت مطالبه اصلی مردم درآمده است.

لزوم حفظ فاصله فیزیکی بین انسان‌ها نیازمند مشارکت دولت و مردم است. به بیانی گذار از این بحران بدون همکاری این دو امکان‌پذیر نیست. بنابراین در این تعامل اغلب مردم محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها را پذیرفته‌اند و از سویی دیگر دولت‌ها تلاش بیشتری برای مشارکت بیشتر مردم به کار بسته‌اند. چراکه عدم کارکرد درست در این زمینه بحران‌های جدی را می‌تواند برای دولت‌ها به وجود بیاورد. بنابراین دولت‌ها در عصر شیوع کرونا مجبور به تعامل بیشتر با مردم شده‌اند و در سایر حوزه‌ها نیز با توجه به نقش فعال‌تر مردم در تولید اطلاعات و چرخش آن که خود عامل ایجاد قدرت است حکومت‌ها مجبور شده‌اند فضای مشارکت بیشتری برای مردم مهیا کنند.

رابطه حکومت و مردم در دوران شیوع پاندمی موجب شده است مفهوم جدیدی از امنیت و اعتمادسازی به وجود بیاید. این موضوع در دو حوزه، تاثیر خود را بر جای گذاشته است حوزه مشروعیت حکومت‌ها و حوزه امنیت. در حوزه امنیت، موضوع مهمی که با تئوری سلاح‌های بیولوژیک ایجاد شد توجه به این پدیده از منظر امنیتی و تقویت زیرساخت‌های نظامی و بهداشتی را تاکید کرد. به بیانی با برجسته شدن نقش کادر درمان و اضافه شدن آن‌ها به حوزه امنیت سیاسی و نظامی در کنار سیاست‌مداران و نظامیان عرصه امنیت وسیع‌تر شد و علاوه بر آن لزوم همراهی مردم برای مقابله با این تهدید نیز بیشتر احساس شد. به این معنا شهروندان عادی نیز در این دوران در چارچوب امنیت نظامی اهمیت یافتند و به‌عنوان کنشگران نظامی تصویر شدند. به همین دلیل لزوم بازنگری در استراتژی‌ها و الگوهای نظامی در دولت‌ها نیز احساس شد.

در این چارچوب ضرورت تغییر کارکرد سیستم نظامی و نیروهای مسلح کشورها و مجهز شدن آنها به لابراتورهای زیستی و تسلیحات بیولوژیک و آینده‌ها و پدافندهای آن و تغییر سیستم نظامی کشورها تبعات فرهنگی و اجتماعی متنوعی به دنبال خواهد داشت که یکی از آن‌ها نقش مهم‌تر فناوری در زندگی انسان امروز خواهد بود، در مقابل عرصه قدرت از نیروهای نظامی و فناوری نیز فراتر خواهد رفت و محیط طبیعی و تمام نیروهای انسانی کشورها تبدیل به کنشگران قدرت خواهد شد. به این معنی نقش مردم در مواجهه با تهدیدهای بیولوژیک به عنصر قدرت‌ساز تبدیل خواهند شد و استفاده از محیط طبیعی به‌عنوان ابزار اصلی قدرت تبدیل خواهد شد.

تغییر نظم سیاسی و اجتماعی دنیای معاصر توسط ویروس کرونا منجر به تغییر مؤلفه‌های قدرت شده است و مفهوم مشروعیت سیاسی نیازمند بازتعریف شده است. چراکه نظم دنیای معاصر که اغلب بر اساس نظم لیبرال بنیان یافته است به چالش کشیده است. به‌عنوان مثال شیوع ویروس کرونا تغییرات سیاسی مهمی را در پی داشته است و گاه کشمکش‌های سیاسی و یا نارضایتی‌های موجود را به تاخیر انداخته است (ر.ک: رحمانیان، ۱۳۹۹). این ویروس افزون بر اینکه در رخداد‌های معاصر، تأثیر خود را گذاشته در مفهوم خود قدرت نیز تأثیر داشته است. گذار عرصه قدرت به فضای مجازی مفهومی است که در این دوران در حال رخ دادن است. چراکه مردم به‌صورت مستقیم در تولید و چرخش اطلاعات نقش ایفا می‌کنند و سیاستگذاری‌ها را به چالش می‌کشند (طاهری‌کیا، ۱۳۹۹: ۱۱۷). به این معنا مردم با تولید دانش و آگاهی نقش مستقیمی در تولید قدرت ایفا می‌کنند و رابطه مردم با دولت از رابطه طولی به رابطه هم‌عرض تبدیل شده است.

۵. نتیجه‌گیری

بیماری همه‌گیر کرونا تغییرات مهمی را در زیست‌جهان انسان معاصر به‌وجود آورده که امتداد کلان روند آن چشم‌انداز آینده را به سوی تحول در بسیاری از ساختارها و مؤلفه‌ها، بخصوص ساختار و مؤلفه‌های قدرت پیش خواهد برد. دو رویکرد متفاوت در مورد باور به منشأ این بیماری دو ساحت مهم را پیش روی آینده بشر تعریف کرد. نخست؛ این بیماری از سویی با نشان دادن ضعف انسان در مقابل طبیعت به بازتعریف رابطه انسان مدرن با دنیای طبیعی منجر شد. دوم و از سوی دیگر معرفی این پدیده به‌عنوان سلاحی بیولوژیک موجب شد تا این پدیده از پدیده‌ای طبیعی به پدیده‌ای اجتماعی، سیاسی و امنیتی تبدیل شود. تبدیل این پدیده به پدیده‌ای با نتایج سیاسی و امنیتی آن را در مفهوم قدرت شریک ساخت. به همین دلیل انسان معاصر برای حفظ نظم زندگی خود ابتدا به مقابله با آن بر اساس شیوه‌های گذشته اقدام کرد، اما به‌دنبال آن در جهت استمرار نظم دنیای مدرن به‌دنبال پاسخ‌های جایگزین برآمد. بنابراین انسان معاصر به دستاورد خود در دنیای جدید و رابط او با طبیعت؛ یعنی فناوری‌ها متوسل شد و با تغییر کارکرد آن‌ها سعی کرد هماهنگی خود را با شرایط جدید مهیا کند. به همین دلیل جامعه کنونی با تغییراتی در فناوری‌ها با سرعت بیشتری به سوی فناوری غیرلمسی و هوش مصنوعی حرکت خواهد کرد. ضمن آنکه فرآیند تولید و تزریق واکسن از مؤلفه‌های مهم قدرت در آینده محسوب خواهد شد که تأثیر مهم و متقابلی بر روند افزایش قدرت و اقتدار حکومت‌ها برجای خواهد گذاشت. از این رو

دولت‌ها در رقابت در کسب این مولفه تأثیرگذار قدرت، تلاش چندجانبه‌ای را آغاز کردند. در این مرحله دولت‌هایی که حائز دو ویژگی اساسی باشند قدرت افزون‌تری در آینده از آن خود خواهند ساخت. نخست دولت‌هایی که امکانات و ابزار دستیابی به فناوری بیولوژیک را فراهم سازند و دیگر دولت‌هایی که جوامع دولت‌پذیرتر و قانون‌مندتر دارند، آسان‌تر و موفق‌تر از این مرحله عبور خواهند کردند و بالتبع جمع این دو ویژگی؛ قدرت جوامع «دولت‌پذیرتر» و «قانون‌مندتر» که مجهز به تکنولوژی بیولوژیک نیز هستند را افزایش خواهد داد و چه بسا هژمون آینده را شکل دهد.

در واقع ویروس کرونا به‌عنوان «عاملی طبیعی» یا «تهدیدی بیولوژیک» موجب شد انسان معاصر در روابط قدرت با «چالش» روبرو شود. بنابراین این ویروس و پاندمی‌های آینده از لحاظ تأثیرگذاری بر مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها و همچنین تأثیر آن در تغییر رابطه مردم با حکومت مورد توجه قرار گرفت. استفاده بیشتر از فناوری هوش مصنوعی و توجه به فضای مجازی در حوزه سیاسی و نظامی با شیوع این ویروس بیشتر مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفت. افزون بر آن با تأثیرپذیری بیشتر حوزه سیاسی از حوزه عمومی و تبدیل شدن مردم به‌عنوان کنشگران عرصه سیاسی و دفاعی، دولت‌ها نقش بیشتری برای مردم قائل شدند و این امر موجب شد رابطه حکومت‌ها با مردم تبدیل به رابطه‌های هم‌عرض شود.

کتاب‌نامه

افضلی، علیرضا، (۱۳۹۸)، درآمدی بر تعامل بین تاریخ و آینده پژوهی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.

بل، وندل، (۱۳۹۸)، مبانی آینده پژوهی: علم انسانی برای عصر جدید، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

حبیبی، فؤاد (۱۳۹۹)، «کرونا می‌تواند با رویکرد اسپینوزایی کاتالیزوری برای دگرگونی خوب تلقی شود»، <http://farhangemrooz.com/news/61926/>

حسن‌دخت فیروز، سیما، نجومیان، امیرعلی، داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۹)، الگویی برای بررسی مفاهیم کلیدی سیاسی اجتماعی در تاریخ ایران معاصر؛ مسئله روش، تاریخ ایران، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۷۷-۹۹.

حیدری، آرش (۱۳۹۹)، «بیماری همه‌گیر و امر سیاسی: وبای عالمگیر» گردآوری داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی، درآمدی بر تاریخ کرونا و بیماری‌های همه‌گیر، اصفهان: خاموش.

تغییر ساختار و مؤلفه‌های قدرت پس از همه‌گیری کرونا؛ ... (نیره دلیر) ۱۶۷

دریغوس، هیویرت و پل رابینو، (۱۳۸۵)، میشل فوکو؛ فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.

دلیر، نیره، (۱۳۹۹)، «آینده پژوهی بیماری‌های همه‌گیر بیولوژیک و انقلاب بزرگ تکنولوژیک؛ مواجهه علوم طبیعی و علوم انسانی در تاریخ اکنون» گردآوری داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی، درآمدهی بر تاریخ کرونا و بیماری‌های همه‌گیر، اصفهان: خاموش.

رحمانی، جبار (۱۳۹۹)، سبک زندگی مراقبتی در شرایط بحران کرونا و سهم اصحاب علوم انسانی در ایران، جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رز، جوزف (۱۳۷۷)، قدرت و دانش، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۳. رضائی، مسعود (۱۳۹۹)، الگوها و نظریه‌های تغییر رفتارهای سلامت در مواجهه با کرونا، مجموعه مقالات معرفت و محنت: جستارهایی از علوم انسانی درباره کرونا، گردآوری و تدوین: سیدمحسن علوی‌پور، حوریه احدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۹)، عالمگیر، ترجمه هوشمند دهقان، تهران: صدای معاصر. سردار، ضیاءالدین، (۱۳۹۶)، آینده: تمام آنچه که اهمیت دارد، ترجمه محسن طاهری دمنه، تهران: آینده پژوه.

شواب، کلاوس (۱۳۹۶)، انقلاب صنعتی چهارم، ترجمه طوفان عزیزی، تهران: دانشگاه خاتم.

ضیمران، محمد، (۱۳۹۹)، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: هرمس. طاهری کیا، حامد (۱۳۹۹)، راهکارهایی برای استفاده از فضای مجازی در مبارزه با ویروس کرونا، جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

عبدی، عیسی (۱۳۹۹/الف)، «کرونا و تاریخ مفهومی»

http://www.movarekhan.com/blog/corona_and_conceptual_history

عبدی، عیسی (۱۳۹۹/ب)، ابعاد زبان‌شناختی «ایران دوره کرونا»، سایت فرهنگ امروز،

<http://farhangemrooz.com/news/64188>

عنایت الله، سهیل، (۱۳۹۸)، تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها؛ نظریه و موردکاوی‌های یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول ساز آینده پژوهی (مجموعه مقالات)، ترجمه مسعود منزوی، تهران: موسسه صنایع دفاعی و مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

عنایت الله، سهیل، (۱۳۹۳)، پرسش از آینده: روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

فرهین فراهانی، محسن (۱۳۹۶)، بررسی معرفت‌شناسی اسپینوزا و لوازم تربیتی آن با رویکرد انتقادی بر مبنای آموزه‌های اسلامی، نشریه حکمت و فلسفه، سال سیزدهم، شماره چهارم، صص ۵۷-۷۶.
فوکو، میشل (۱۳۷۸)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشرنی.

فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۹۰)، آینده فرانسائی ما؛ پیامدهای انقلاب تکنولوژیک، ترجمه ترانه قطب، تهران: طرح نو.

قرلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۹)، سیاست کرونا، تهران: امید صبا.

گالتونگ، یوهان و عنایت‌الله، سهیل، (۱۳۹۸)، کلان تاریخ و کلان تاریخ دانان؛ دیدگاه‌هایی پیرامون تغییر فردی، اجتماعی و تمدنی، ترجمه عبدالمجید کرامت زاده و مسعود منزوی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.

ماحوزی، رضا (۱۳۹۹)، کرونا ویروس و دوگانۀ ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم، جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

منصوری، رضا (۱۳۹۹)، علم و کرونا در ایران و جهان، جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران، به کوشش حسین میرزائی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

میچام، کارل (۱۳۸۸)، فلسفۀ تکنولوژی چیست؟، ترجمه مصطفی تقوی، یاسر خوشنویس، پریسا موسوی، تهران: روزنامه ایران.

میرزائی، حسین، رحمانی، جبار (۱۳۹۹)، نگاهی به هشتگ «در خانه می‌مانیم»؛ شکاف میان درک مردم و ستاد بحران در یک شعار، جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

میلز، سارا، (۱۳۹۲)، میشل فوکو، ترجمه مرتضی نوری، تهران: مرکز.

نصراصفهانی، مریم (۱۳۹۹)، از «من» تا «دیگری»، مجموعه مقالات معرفت و محنت: جستارهایی از علوم انسانی درباره کرونا، گردآوری و تدوین: سیدمحسن علوی‌پور، حوریه احدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۹)، کرونا و نابهنگامی یک رخداد ساده، جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران، به کوشش حسین میرزائی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

هراری، یووال نوح (۱۳۹۸)، ۲۱ درس برای قرن ۲۱، ترجمه سودابه قیصری، تهران: مانوش.